

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی خانه‌داری

نویسنده:

عبد الکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ الگوی خانه‌داری
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ فاطمه و ساره، نمونه‌ی قائلات (میهمانداری)
۷ آداب سفره‌ی فاطمه
۷ تقسیم کار در خانه
۷ پاره‌ی پیامبر، الگوی آزادگان
۸ فاطمه، الگوی مصرف (با توجه به شرایط زمان و مکان)
۸ فاطمه، الگوی مصرف بعد از فتح
۸ اشاره
۸ عطر و لباس نماز فاطمه
۹ فاطمه، الگوی تربیتی فرزندان
۹ رقابت، قضاوت و عدالت میان فرزندان
۱۰ آسیا گردان و لب قرآن‌سرا
۱۰ پاورقی

الگوی خانه‌داری

مشخصات کتاب

سرشناسه: بی‌آزار شیرازی عبدالکریم - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور: الگوی خانه‌داری عبدالکریم بی‌آزار شیرازی مشخصات نشر: تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۵. مشخصات ظاهری: ۳۲ صص مصور (رنگی فروست: (پاره پیامبر (ص ۳) شابک: ۱۵۰۰ اریال؛ ۱۵۰۰ اریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۱۳ قبل از هجرت - ق ۱۱ شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی رده بندی کنگره: BP۲۷/۲/پ ۲،۳. ش رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۸۲۱۵۹

مقدمه

اهمیت خانه‌داری از نظر فاطمه فاطمه‌ی زهرا (س) پاره‌ی پیامبر (ص) می‌فرمود: اذنی ما تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا. [۶۷]. نزدیکترین هنگام به خدا هنگامی است که زن در خانه است. و این، تفسیر روایت معروفی است که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «مَسْجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا» (مسجد زن خانه‌ی اوست). زیرا مهمترین هدف مسجد تربیت الهی انسانهاست و خانه و دامن مادر نیز محل تربیت آنهاست. [صفحه ۷۴]

فاطمه و ساره، نمونه‌ی قائمات (میهمان‌داری)

شخصیت و کمال ساره در آن همه خدمت و پذیرایی از میهمانان همسرش حضرت ابراهیم (ع) بود، بطوریکه او همواره برای خدمت به میهمانان سرپا بود و قرآن در وصف این بانوی نیکوکار و میهمان‌نواز می‌فرماید: وَبَنَّتْهُمْ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ [۶۸] وَأَمْرَأَتَهُ قَائِمَةً... [۶۹]. از میهمانان ابراهیم خیردارشان کن در حالی که همسرش (ساره) سرپا [صفحه ۷۵] بود... وی در پذیرایی از میهمانان همسرش آنچنان مهارت داشت که حتی وقتی میهمان ناخوانده‌ای وارد می‌شد، طولی نمی‌کشید که به بهترین وجه مورد پذیرایی قرار می‌گرفت: ... فَمَآ لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ. [۷۰]. طولی نکشید که گوساله‌ای بریان حاضر آورد. شاید بر اثر این صفت کمال یعنی میهمان‌نوازی بود که خداوند در سن پیری حضرت اسحاق و حضرت یعقوب را توسط میهمانان ابراهیم (ع) به وی بشارت داد: ... فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ [۷۱]. فاطمه‌ی زهرا (س) نیز نمونه‌ی قائمات در اسلام است که آنقدر برای تهیه‌ی نان و غذا جهت فرزندان و میهمانان زحمت می‌کشید و سرپا بود که بدنش دچار آسیب می‌گردید. [۷۲]. با این تفاوت که ساره با وفور و فراوانی اموال حضرت ابراهیم (ع) به پذیرایی از میهمانان می‌پرداخت و فاطمه‌ی زهرا (س) در عین تنگدستی و با ایشار از میهمانان شوهرش پذیرایی می‌کرد. به عنوان نمونه نقل شده است که مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه اظهار داشت: ای مسلمانان، از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا میهمان کنید. پیامبر اکرم (ص) فرمود: چه کسی این مرد را امشب میهمان می‌کند؟ حضرت علی (ع) گفتند: من ای رسول خدا. [صفحه ۷۶] کمی بعد حضرت علی (ع) او را با خود به منزل برد و وقتی وارد منزل شد، از فاطمه‌ی زهرا (س) پرسید: آیا در منزل چیزی داریم؟ میهمان گرسنه‌ای آورده‌ام. حضرت زهرا (س) فرمود: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصَّبِيِّ وَلَكِنَّا نُؤَثِّرُ بِهِ ضَيْفُنَا. [۷۳]. چیزی جز به اندازه‌ی خوراک دختر بچه‌ای نداریم اما امشب از خود می‌گذریم و از میهمانان پذیرایی می‌کنیم. پیامبر اکرم (ص) چون فدک را به فاطمه‌ی زهرا (س) بخشیدند نیازمندان را از یاد نبردند و بیشتر درآمد آن را بین مستمندان تقسیم می‌کردند. [صفحه ۷۷]

آداب سفره‌ی فاطمه

فاطمه‌ی زهرا (س) در آداب غذا خوردن و بهداشت می‌فرمود: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ خِصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا. أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ. فَأَمَّا الْفَرَضُ: فَالْمَعْرِفَةُ، وَالرِّضَا، وَالشُّكْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالشُّكْرُ. وَأَمَّا السُّنَّةُ: فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ، وَالْجُلُوسُ عَلَى جَانِبِ الْأَيْسَرِ، وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَلَعْقُ الْأَصَابِعِ. وَأَمَّا التَّأْدِيبُ: فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ، وَتَصْغِيرُ اللَّفْمَةِ، وَتَجْوِيدُ الْمَضْغِ، وَقِلَّةُ [صفحه ۷۸] النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ. [۷۴]. در سفره دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجب است آنها را بشناسد. چهار تای آن واجب و چهار تای آن سنت و چهار تای دیگر ادب است. اما چهار تای واجب عبارتند از: (۱) معرفت خدا، (۲) رضا و خشنودی پروردگار، (۳) بسم‌الله گفتن، (۴) شکر نعمات پروردگار. اما چهار تای سنت: (۵) وضو قبل از طعام، (۶) نشستن به روی طرف چپ بدن، (۷) پاک کردن انگشتان، (۸) استفاده از سه انگشت. اما چهار تای ادب: (۹) خوردن از آنچه پیش روی اوست، (۱۰) کوچک کردن لقمه، (۱۱) خوب جویدن غذا، (۱۲) کم نگاه کردن به صورت این و آن. آری، حجم غذا باید کم باشد و لقمه کوچک برداشته شود تا امکان تأثیر شیرهای هاضمه بر روی غذا و جویدن آن به حد کافی میسر باشد. همچنین، پیش و بعد از صرف غذا و به هنگام غذا خوردن فعالیت شدید فکری و جسمی نباشد تا امکان هضم بهتر باشد. [صفحه ۷۹]

تقسیم کار در خانه

روزی پیامبر اکرم (ص) وارد خانه‌ی فاطمه (س) شدند و از وضع زندگی آن حضرت سؤال کردند. فاطمه (س) در پاسخ عرض کرد: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحَاءِ أَطْحَنَ مَرَّةً وَأَعْجَنُ مَرَّةً. [۷۵]. ای پیامبر خدا، دستانم بر اثر کار کردن با آسیاب تاول زده و زخم شده است. گاهی گندم آرد می‌کنم و زمانی به خمیر کردن آرد می‌پردازم. [صفحه ۸۰] بنا به توصیه‌ی پیامبر اکرم (ص) کارهای خارج از منزل به عهده‌ی علی (ع) و کارهای داخل خانه به عهده‌ی فاطمه زهرا (س) بود و البته علی (ع) عملاً از پیامبر اکرم (ص) آموخته بود که در کارهای منزل نیز همکاری و همیاری کند، چنانکه خود فاطمه (س) می‌فرمود: قَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحِي، لَيْتَنِي جَمِيعاً أَدِيرُ الرَّحِي حَتَّى أَصْبِحَ وَأَبُو الْحَسَنِ يَحْمِلُ حَسِيناً وَحُسَيْناً. [۷۶]. هر دو دستم در اثر آرد کردن با آسیاب دستی زخم شده است، دیشب تا به صبح آسیاب می‌کردند و ابوالحسن، حسن و حسین را به دوش داشت. در عین حال، کارهای خانه آنقدر زیاد و طاقت فرسا بود که خدمتکاری به نام فضا گرفتند و به طور مساوی کارهای منزل را با وی تقسیم کردند. سلمان می‌گوید: روزی دیدم باز فاطمه‌ی زهرا (س) خود آسیاب می‌کند و عرضه داشتم: چرا خود را به زحمت می‌اندازید در حالی که فضا در کنار شماست؟ حضرت فرمود: أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةَ لَهَا يَوْمًا وَلِيَّ يَوْمًا فَكَانَ أَحْسَنَ يَوْمٍ خِدْمَتِهَا وَالْيَوْمِ يَوْمٍ خِدْمَتِي. [۷۷]. پیامبر خدا به من توصیه فرمود که کارهای خانه را با وی تقسیم کنم: یک روز برای او یک روز برای من. دیروز روز خدمت وی بود و امروز روز خدمت من است. [صفحه ۸۲]

پاره‌ی پیامبر، الگوی آزادگان

وقتی سلمان فارسی فاطمه‌ی زهرا (س) را دید که چادری ساده بر سر دارد، گفت: عجب! دختران شاهان ایران و روم پارچه‌های زربفت می‌پوشند و بر کرسیهای طلا می‌نشینند و دختر رسول خدا با چه لباس ساده‌ای؟! فاطمه‌ی زهرا (س) فرمود: يَا سَلْمَانَ إِنَّ اللَّهَ دَخَرَ لَنَا الثِّيَابَ وَالْكَرَاسِيَّ لِيَوْمٍ آخِرٍ. [۷۸]. ای سلمان، خداوند لباسهای زینتی و کرسیهای طلایی را برای ما در آخرت ذخیره کرده است. [صفحه ۸۴] علی (ع) به هنگام بازگشت از سفری یک جفت انگوی نقره برای فاطمه (س) سوغات آورد. وقتی پیامبر اکرم (ص) طبق معمول به دیدن فاطمه (س) آمدند و آن انگوها را در دست او و پرده‌ای منقش را آویزان دیدند، دیدار خود را کوتاه

کردند. فاطمه (س) اندوهناک شد و گفت: تاکنون پدرم چنین دیداری نداشتند. پس، بی‌درنگ حسن و حسین علیهما السلام را فرا خواند و النگوها را همراه با پرده خدمت آن حضرت فرستاد تا میان تهیدستان تقسیم کنند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: درود بر فاطمه که با این کارش خداوند پوشش و النگوهای از زیورهای بهشتی به او خواهد پوشاند. [۷۹]. در روایات دیگر آمده است که پیامبر اکرم (ص) سه بار به فاطمه (س) فرمودند: پدرت به فدایت. البته اسلام از زنان مسلمان نخواست است که کاملش دست از مظاهر زینت بشویند و تقوای فاطمه (س) تا این حد نیز به دو جهت بود: یکی اینکه پاره‌ی [صفحه ۸۵] پیامبر (ص) بود و می‌بایست همچون آن حضرت خود را کاملاً از قیود مادی و دنیوی آزاد سازد و به زینتهای معنوی بیاراید، و دیگر اینکه شرایط زمان و مکان طوری بود که اغلب مردم گرسنه و تنگدست بودند و قناعت و سادگی پیامبر (ص) و نزدیکانش در سطح سایر مردم اثر بسیار سودمندی در صبر و استقامت آنان داشت، چنانکه یک بار فاطمه‌ی زهرا (س) از پدر تقاضای خدمتکاری کرد و آن حضرت با توجه به شرایط آن روز فرمودند: در مسجد چهار صد نفرند که خوراک و پوشاک ندارند، و اگر خصلتاً از خدا نمی‌ترسیدم مسلماً آنچه از درخواست کرده‌ای به تو می‌دادم. ای فاطمه، من نمی‌خواهم پاداش معنوی خانه‌داری تو را به خدمتکار منتقل کنم. [۸۰]. آنگاه پیامبر اکرم (ص) برای آسان شدن کارهایش ذکر تسبیح را به فاطمه (س) آموختند که به «تسبیح فاطمه» مشهور شد و تاکنون در میان مسلمانان متداول است. [۸۱]. [صفحه ۸۶]

فاطمه، الگوی مصرف (با توجه به شرایط زمان و مکان)

آری، فاطمه‌ی زهرا (س) در زمانی که مسلمانان در فقر و تنگدستی بسر می‌برند، او نیز با اختیار خود مانند دیگران با فقر و سادگی کامل می‌سازد و هر چه دارد حتی افطاری خود را به آنان ایشار می‌کند. اما در سالهای بعد که فتوحات و غنائم بسیار نصیب مسلمانان می‌شود، با نزول آیات ۲۶-۲۸ سوره‌ی اسراء پیامبر اکرم (ص) خدمتکاری برای فاطمه (س) می‌گیرند و نام او را «فَضَّة» می‌گذارند. در این آیات، خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرموده است: *وَأْتِ ذَاقِرْبِي حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا...* و بده حق خویشاوندان خویش و حق غریب و درویش، و در انفاق [صفحه ۸۷] پرداخت مکن بیش، زیرا اسراف کنندگان یاران شیطانند و شیطان نسبت به پروردگار خود کفر ورزانند. از آن پس، فاطمه (س) و علی (ع) با رعایت عدالت و اعتدال از مختصر امکانات استفاده می‌کردند، چنانکه علی (ع) در بازگشت از سفری رزمی یک جفت النگو و یک پرده برای فاطمه‌ی زهرا (س) سوغات آورد و در مراسم عید حَجَّةُ الْوَدَاعِ لباس نسبتاً شاد پوشیدند. [۸۲]. [صفحه ۸۸]

فاطمه، الگوی مصرف بعد از فتح

اشاره

بعد از فتح خیبر، پیامبر (ص) بخشی از فدک را که بدون جنگ به پیامبر تعلق گرفت به فاطمه‌ی زهرا (س) تقدیم داشتند. همچنین، از روایات چنین برمی‌آید که فاطمه‌ی (س) حتی تا آخرین لحظه‌ی زندگی مانند پدر و همسر خود به عطر علاقه‌مند بود و به اسماء بنت عمیس فرمود: *هَاتِي طِيبِي الَّذِي أَتَطَيَّبُ بِهِ*. [۸۳]. عطر مرا، همان عطری که همیشه می‌زنم، بیاور. [صفحه ۸۹] ام سلمه می‌گوید از حضرت زهرا (س) پرسیدم آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده‌ای؟ فرمود: آری. رفت و شیشه‌ی عطری آورد و مقداری در کف دست من ریخت. بوی خوشی داشت که هرگز نشنیده بودم. پرسیدم: این عطر خوشبو را از کجا تهیه کرده‌ای؟ فرمود: «هو عنبر» (این عنبر است). [۸۴].

عطر و لباس نماز فاطمه

خداوند در قرآن سفارش می‌کند: .. خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا... [۸۵]. ... به هنگام رفتن به مسجد زینتهای خود را بگریید و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید... در فقه اسلامی مستحب است گزاردن نماز با لباس متعدد و سفید و پاکیزه و استعمال عطر و پوشیدن گردن‌بند برای بانوان. [۸۶]. بنابراین، فاطمه‌ی زهرا (س) در شرایطی که مردم در وضع نسبتاً خوبی قرار می‌گیرند، تا حدودی از امکانات و زینتها استفاده می‌کند. اما نکته‌ی مهم و آموزنده اینجاست که حضرت حدود تقوا و مرزهای «وَلَا تُسْرِفُوا»، «وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا»، «وَاعْدِلُوا» را هرگز فراموش نمی‌کند، برخلاف بسیاری از مردم که فقط در درون سختی و تنگدستی عادلند اما همین که اوضاع تغییر می‌کند و امکانات فراهم می‌شود، یکباره همه چیز را از یاد می‌برند و در جمع‌آوری غنیمت و زندگی لوکس و تجملی با یکدیگر مسابقه می‌گذارند و روز بروز بیشتر خدا و دین و بندگان خدا را فراموش می‌کنند و [صفحه ۹۱] آنچنان از حد اعتدال خارج می‌شوند که زندگی را بر خود تنگ و تلخ می‌سازند و از خورد و خوراک خود و یا از حقوق دیگران می‌کاهند تا به لباسی فاخر و خانه‌ای مجلل و وسایلی لوکس دست یابند. البته، این عشق و علاقه به زینت و تجمل در زنان بیشتر از مردان است تا آنجا که دیده می‌شود گاهی سایر لذات بر ایشان تحت الشعاع قرار می‌گیرد. پس، به همان اندازه که زنان مظهر جمال و کمالند، در معرض خطر انحراف به سوی شیطان و اسراف و تبذیر قرار دارند. اسلام که دین فطرت است، طبق سرشت زن مقرر داشته که آنها از زینتها، لباس و جواهرات استفاده کنند و حتی پوشیدن لباس حریر طبیعی و استفاده از طلا را که بر مردان حرام است، برای زنان مجاز دانسته و نظافت و آرایش کردن برای همسر را از وظایف و حقوق همسری قرار داده و ترک آن را در صورتی که شوهر خواستار آن باشد، یکی از عوامل نشوز تلقی کرده است [۸۷]. همچنین، اسلام بر مرد واجب کرده که اگر همسرش از زیبا پوشان است، لباسی را که امثال وی می‌پوشند، برایش فراهم سازد، [۸۸]، چون زینت و نظافت باعث می‌شود که اعضای خانواده با فطرت کمال‌جو و جمال‌خواه خود به یکدیگر بیشتر بیبوندند و با افزوده شدن عشق و مودت میان زن و شوهر، کانون خانواده گرم و مستحکم گردد. اما همین غریزه و عشق به جمال و زیبایی، اگر خدای نکرده از حدود و مرزهای اعتدال شرع خارج شود، زیباییهای مارگونه‌ی دنیا آدمی را می‌فریبد و کام انسان را تلخ و زندگی را بر وی تنگ می‌گرداند و در دام شیطان اسیرش می‌سازد. از این‌رو قرآن با قانون حجاب، مرز و حدودی برای زینت و نگاه مقرر داشته که فاطمه‌ی زهرا (س) نیز الگوی این قوانین است. فاطمه‌ی زهرا (س) پس از پشت سر گذاشتن دوران فقر عمومی، از لباس و پوشاک و زینت و عطر استفاده می‌کند، اما طبق آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی اعراف با توأم ساختن آن به لباس تقوا. او از زینت و عطر و لباس استفاده می‌کند اما نه برای نشان دادن به بیگانگان و نه برای تفاخر و تکبر نسبت به دیگران، بلکه در راه خدا و در مقام سجود و تواضع. از این‌رو در روایت آمده است که پیامبر [صفحه ۹۲] اکرم (ص) به عمار یاسر مأموریت می‌دهند که برای عروسی فاطمه (س) عطریات تهیه کند، و فاطمه (س) در آخرین ساعت زندگی به اسماء بنت عمیس می‌فرماید: عطر مرا، همان عطری که همیشه مصرف می‌کنم و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می‌خوانم، بیاور. قَالَتْ فَاطِمَةُ بِأَسْمَاءِ بِنْتِ عُمَيْسٍ: هَاتِي طَيْبِي الَّذِي أَتَطَيَّبُ بِهِ وَثِيَابِي الَّتِي أُصَلِّي فِيهَا. فاطمه (س) به اسماء بنت عمیس فرمود: عطر مرا، همان عطری که همیشه می‌زنم و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می‌خوانم، بیاور. [صفحه ۹۳]

فاطمه، الگوی تربیتی فرزندان

رقابت، قضاوت و عدالت میان فرزندان

پیامبر اکرم (ص) حسن و حسین علیهماالسلام را به مسابقه‌ی خطاطی تشویق کردند و فرمودند: هر کس خطش زیباتر باشد قدرتش بیشتر است. حسن و حسین علیهماالسلام هر یک تلاش کردند و خط زیبایی نوشتند و پیش پیامبر (ص) بردند. رسول خدا (ص) قضاوت را به مادرشان فاطمه (س) واگذار کردند. فاطمه با حکمت و درایتی که داشت به آن دو چنین فرمود: یا قَرَّتِي عَيْنِي أُنِي

اقطع قِلَادَتِي عَلَى رَأْسِكَمَا وَأَنْشُرُ بَيْنَكُمَا جَوَاهِرَ هَذِهِ [صفحه ۹۴] الْقِلَادَةُ فَمَنْ أَخَذَ أَكْثَرَ فَخَطَّهُ أَحْسَنُ وَتَكُونُ قُوَّتُهُ أَكْثَرَ [۸۹]. ای دو نوردیده‌ی من، من گردن‌بندم را پاره می‌کنم و دانه‌های آن را میان شما پخش می‌کنم هر کدام از شما دانه‌های بیشتری گرفت خط او بهتر و توانش بیشتر است. [صفحه ۹۵]

آسیا گردان و لب قرآن سرا

فاطمه‌ی زهرا (س) می‌فرمود: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تَلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ... [۹۰]. از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت کتاب خدا... و در آخرین وصیت خود به علی (ع) فرمود: برایم زیاد قرآن و دعا بخوان (فَمَا كَثُرَ مِنْ تَلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالِدُعَاءِ) [۹۱]. فاطمه‌ی زهرا (س) با دست به کارهای خانه می‌پرداخت و با لب با تلاوت [صفحه ۹۶] قرآن. آن ادب پرورده‌ی صبر و رضا آسیا گردان و لب قرآن سرا (اقبال لاهوری) خاصیت چنین کاری این بود که فرزندان و زنان و خدمتکارانی که در منزل بودند، با شنیدن آیات قرآن حافظ قرآن می‌شدند که نمونه‌ی آن، فضه خدمتکار و دست پرورده‌ی فاطمه (س) است. ابوالقاسم قشیری در کتابش از شخصی نقل می‌کند که می‌گفت: در صحرا از کاروان عقب ماندم، در اثنای راه زنی را یافتیم. به وی گفتم: کیستی تو؟ آن زن این آیه را خواند: وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ [۹۲]. بگو سلام، بزودی خواهی دانست. به او سلام کردم و پرسیدم: اینجا چه می‌کنی؟ پاسخ داد: وَمَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ [۹۳]. کسی که خداوند هدایتش کرد گمراهی برایش نیست. پرسیدم: از پریانی یا مردمان؟ جواب داد: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ [۹۴]. ای بنی آدم، زینتهای خود را بگیرید. گفتم: از کجا می‌آیی؟ گفت: [صفحه ۹۷] يَنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ [۹۵]. ندا می‌کنند از مکانی دور. پرسیدم: مقصدت کجاست؟ پاسخ داد: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ [۹۶]. و بر مردم است حج خانه‌ی خدا. پرسیدم: چه مدتی است که در راهی؟ جواب داد: وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ [۹۷]. ما آسمانها و زمین را در شش روز آفریدیم. گفتم: آیا غذا میل داری؟ اظهار داشت: وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَداً لَآيَأُكُلُونَ الطَّعَامَ [۹۸]. ما آنان را جسدی قرار ندادیم که غذا نخورند. به او غذا دادم و به او گفتم: اکنون بشتاب تا به کاروان رسی. گفت: لَا- يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْرَهَا [۹۹]. [صفحه ۹۸] خداوند به کسی بیش از توانش تکلیف نمی‌کند. به وی گفتم: می‌خواهی تو را هم سوار کنم؟ پاسخ داد: لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا [۱۰۰]. اگر در آن دو جز الله معبودانی بود فساد پدید می‌آمد. از مرکب پیاده شدم و زن را سوار کردم. این آیه را خواند: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا [۱۰۱]. منزّه است خدایی که این مرکب را در تسخیر ما درآورده است. [صفحه ۹۹] چون به کاروان رسیدیم، از او پرسیدیم: آیا کسی را در این کاروان داری؟ اظهار داشت: يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ [۱۰۲]. ای داود، ما تو را خلیفه‌ی زمین قرار دادیم. و ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ [۱۰۳]. محمد نیست جز فرستاده. یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ [۱۰۴]. ای یحیی، کتاب را بگیر. یا موسی إني أَنَا رَبُّكَ [۱۰۵]. ای موسی، منم خدای. این اسامی را صدا زدم. ناگهان چهار جوان به سوی او روی آوردند. پرسیدم: اینان با تو چه نسبتی دارند؟ گفت: الْمَالُ وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا [۱۰۶]. مال و فرزندان زینت زندگی‌اند. چون جوانان آمدند رو به آنان کرد و گفت: يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ [۱۰۷]. ای پدر، این مرد را به کار گمار (و اجرت ده) زیرا بهترین کسی را که باید [صفحه ۱۰۰] به خدمت برگزید و اجرت داد آن است که توانا و امین باشد. جوانان چیزهایی برای من پاداش آوردند. زن اظهار داشت: وَاللَّهِ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ [۱۰۸]. خداوند به هر که بخواهد دو چندان دهد. آنان پاداش مرا افزون ساختند. راجع به آن زن از جوانان پرسیدم، گفتند: این مادر ما فضّه خدمتکار فاطمه‌ی زهرا (س) است که بیست سال است جز با قرآن سخن نگفته است. [۱۰۹]. [صفحه ۱۰۳]

[۱] کشف الغمّه اربلی، ج ۱، ص ۴۴۹. [۲] روضه الشهداء ملاحسین کاشفی، صص ۱۱۷-۱۱۸. [۳] احزاب/ ۲۱. [۴] ممتحنه/ ۴.

[۵] امام خمینی: ۲۶/ ۲/ ۵۸، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۶] صحیح بخاری، ک ۶۲، ب ۱۲ و ۱۶ و ۲۹؛ صحیح مسلم، ک ۴۴، ح ۹۳ و ۹۴ و ۹۶؛ سنن ترمذی، ک ۴۶، ب ۶۰؛ مسند احمد بن حنبل، جل ۴، صص ۵ و ۳۲۳ و ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۳۲؛ فضائل الصحابه، صص ۱۲ و ۱۶ و ۲۹، نکاح ۱۰۹؛ سنن ابن ماجه، نکاح ۵۶. [۷] سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، صص ۳۸-۳۹.

[۸] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی؛ تصحیح شعرانی، ج ۹، ص ۱۵۵. [۹] اعراف/ ۲۳. [۱۰] سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۵۸ در الزینة؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۸؛ مسند ابوداود الطیالسی، ج ۲، ص ۳۵۴؛ المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

ذهبی و حافظ المنذری نیز این روایت را صحیح دانسته‌اند. رجوع شود به الترغیب و الترهیب، ج ۱، ص ۵۵۷ «و علموا اولادکم محبة آل بیت النبّی»؛ جدّه دارالقبلة، دکتر محمد عبده یمان، ۴۱۱۲ هـ.، ص ۹۶. [۱۱] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۴۵۶. [۱۲] توبه/ ۱۱۲. [۱۳] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۴] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۱۸. [۱۵] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۶] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۲۴؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۳۹۰. [۱۷] عنکبوت/ ۲۶. [۱۸] تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۳. [۱۹] السیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۹. [۲۰] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱. [۲۱] زندگانی فاطمه زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۲] زندگانی فاطمه زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۳] تهذیب شیخ طوسی، چاپ بیروت، ج ۵، ص ۴۵۶. [۲۴] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۵۰ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱۹۲ و ۱۹۳. درباره‌ی مهاجرتها و سفرهای فاطمه (س) رجوع شود به کتاب اهل البیت نوشته بنت الشاطی. [۲۵] طه/ ۳۸ و ۳۹. [۲۶] طه/ ۴۰. [۲۷] صحیح مسلم، ج ۱۶، ص ۵، باب فضائل فاطمه رضی الله عنها. [۲۸] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۵. [۲۹] طه/ ۴۰. [۳۰] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۴. [۳۱] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۸. [۳۲] تحریر/ ۱۱. [۳۳] روضه الشهداء، تهران، اسلامی، صص ۱۲۳-۱۲۷. [۳۴] انبیاء/ ۹۰. [۳۵] آل عمران/ ۳۵. [۳۶] آل عمران/ ۳۷. [۳۷] آل عمران/ ۳۷. [۳۸] دهر/ ۷. [۳۹] فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۸. [۴۰] بقره/ ۱۸۷. [۴۱] لذات فلسفه، ترجمه‌ی دکتر عباس زریاب خوئی، تهران ۱۳۷۰، صص ۱۶۷-۱۷۰. [۴۲] احزاب/ ۲۹. [۴۳] ضحی/ ۸. [۴۴] تفسیر مواهب علیه (حسینی)، یک جلدی، چاپ لاهور، ص ۱۳۷۵. [۴۵] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۱۰؛ صحیح مسلم، کتاب ۴۴، باب ۶۹؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۸۴ و ۱۱۶ و ۱۳۲ و ۱۴۳. [۴۶] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۲۰ و کتاب ۷۸، باب ۲۳ و کتاب ۹۷، بابهای ۳۲ و ۳۵؛ سنن ترمذی، کتاب ۴۶، باب ۶۱؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۲۰۵ و ۳۱۶. [۴۷] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۰؛ صحیح بخاری ۷۲/ ۴ و ۸۹/ ۵۶ و ۱۶۳ و ۱۶۴/ ۶۴ و ۱۲۳/ ۶۷ و ۲۷/ ۷۶؛ صحیح مسلم، ۳۲/ ۱۰۱؛ سنن ترمذی، ۳۴/ ۲۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۵/ ۳۳۰ و ۳۳۴. [۴۸] قصص/ ۲۵. [۴۹] قصص/ ۲۶. [۵۰] قصص/ ۲۶. [۵۱] کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ المراجعات، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲. [۵۲] کشف الغمّه اربلی، ج ۲، ص ۶۷؛ التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸؛ کنز العمال، ج ۲۸۹، ۱۶؛ حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳ و... [۵۳] فرقان/ ۵۴. [۵۴] رعد/ ۳۹. [۵۵] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علامه‌ی محقق اربلی، ج ۱، ص ۳۵۱. [۵۶] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۵۲. [۵۷] مریم/ ۱۸. [۵۸] دهر/ ۷. [۵۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، یک جلدی، چاپ پاکستان، ص ۱۳۳۰ و تفسیر روح المعانی آلوسی، ج ۲۹، ص ۱۵۷. [۶۰] دهر/ ۸ و ۹. [۶۱] علی امام المتقین، عبدالرحمن الشراقوی، ج ۱، ص ۳۷. [۶۲] علل الشرایع، ص ۳۶۱. [۶۳] دهر/ ۱۰. [۶۴] صحیح بخاری، ۶۹/ ۶ و ۷ و ۸۰/ ۱۱؛ صحیح مسلم ۴۴/ ۹۷ و ۹۹؛ جامع ترمذی، ۴۵/ ۶۷؛ طبقات ابن سعد، ۸/ ۱۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۰، ۹۵، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۳، ج ۳، ص ۱۵۰ و ج ۶، ص ۲۹۸؛ مسند طیالسی، حدیث ۹۳؛ علل الشرایع صدوق، ص ۳۶۶. [۶۵] وقایع الایام، کتاب الصیام، ص ۲۹۵. [۶۶] تفسیر روح المعانی، ج ۲۹، صص ۱۵۷ و ۱۵۸. [۶۷] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲ و ج ۱۰۰، ص ۲۵۰؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۳۸۱؛ مقتل خوارزمی ص ۶۲. [۶۸] حجر/ ۵۱. [۶۹] هود/ ۷۱. [۷۰] هود/ ۶۹. [۷۱] هود/ ۷۱. [۷۲] مسند

احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۹؛ جامع ترمذی، ص ۳۴۰۹، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی طبرسی، صص ۵۱. [۷۳]

امالی طوسی، ص ۱۹۰، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۳. [۷۴] نفائس اللباب، ج ۳، ص ۱۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۳۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۸۳. [۷۵] مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵. [۷۶] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵ و ۱۳۴؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۰۷، مسند احمد بن حنبل ج ۶، ص ۲۹۸. [۷۷] مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶. [۷۸] بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳. [۷۹] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴. [۸۰] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۵. [۸۱] صحیح بخاری، ج ۶۹، صص ۶ و ۷ و ج ۸، ص ۱۱؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۷-۹۹. [۸۲] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۳. [۸۳] کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۲. [۸۴] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۹۵ و ۱۱۴. [۸۵] اعراف / ۳۱. [۸۶] العروة الوثقی، صص ۲۰۱-۲۰۳. [۸۷] تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۲، ص ۳۰۵. [۸۸] رساله‌ی نونین امام خمینی، ج ۳، ص ۱۱۲. [۸۹] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۰ و ج ۴۳، ص ۳۰۹. [۹۰] کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۲. [۹۱] بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷. [۹۲] زخرف / ۸۹. [۹۳] زمر / ۳۷. [۹۴] اعراف / ۳۰. [۹۵] فصلت / ۴۴. [۹۶] آل عمران / ۹۷. [۹۷] ق / ۳۸. [۹۸] انبیاء / ۸. [۹۹] بقره / ۲۸۶. [۱۰۰] انبیاء / ۲۲. [۱۰۱] زخرف / ۱۲. [۱۰۲] ص / ۲۵. [۱۰۳] آل عمران / ۱۴۴. [۱۰۴] مریم / ۱۳. [۱۰۵] طه / ۱۱ و ۱۳. [۱۰۶] کهف / ۴۶. [۱۰۷] قصص / ۲۶. [۱۰۸] بقره / ۲۶۱. [۱۰۹] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۶ و ۸۷. [۱۱۰] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۱۱] بحار الانوار، ج ۲، ص ۸. [۱۱۲] بحار الانوار، ج ۲، ص ۳. [۱۱۳] ابن منظور: لسان العرب، چاپ دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ه، ج ۳، ص ۲۷۰. [۱۱۴] جمعه / ۲. [۱۱۵] مثنوی مولوی، دفتر اول، ۲۰۴۶-۲۰۶۵. [۱۱۶] زمر / ۲۳. [۱۱۷] سید قطب: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۸۲. [۱۱۸] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹. [۱۱۹] این خطبه در منابع بسیار از کتب شیعه و سنی آمده است از جمله: الشافی سیدمرتضی، ص ۲۳۱؛ کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۲، صص ۴۰-۵۲؛ شرح نهج البلاغه‌ی ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ تفسیر کشاف، ج ۱، در تفسیر آیه‌ی «ذی القربی»؛ سیره‌ی حلبی، ج ۳، ص ۳۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲؛ عقد الفرید، ج ۲، ص ۶؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۲؛ اسد الغابه‌ی ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۱۳ و ۱۴. [۱۲۰] آل عمران / ۴۲. [۱۲۱] اشقیای نبی، ۸: ۳. [۱۲۲] سفر خروج، ۱۵: ۲۰. [۱۲۳] سفر داوران، ۵: ۱. [۱۲۴] کتاب اول سموئیل نبی، ۲: ۱. [۱۲۵] کتاب پادشاهان، ۲۲: ۱۴. [۱۲۶] کتاب لوقا، ۲: ۳۶. [۱۲۷] کتاب اشعیای نبی، ۲۱: ۹. [۱۲۸] سفر خروج، ۷: ۱. [۱۲۹] قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳. [۱۳۰] آلوسی بغدادی: تفسیر روح المعانی، ج ۳، صص ۱۵۴-۱۵۶. [۱۳۱] ۲/۲۶ [۱۳۱]. ۵۸، به نقل از صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۱۳۲] تحریم / ۱۲. [۱۳۳] مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۴۲۸. [۱۳۴] تحریم / ۱۲. [۱۳۵] رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۵؛ سفر الفردوس دیلمی، حدیث ۸۶۵۳؛ سیده‌ی نساء اهل الجنّه، فاطمه‌ی الزهراء، علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المنادی، ریاض، مکتبه‌ی الساعی، ص ۶۸. [۱۳۶] مائده / ۷۵. [۱۳۷] المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۶۰-۱۶۱. این روایت را ذهبی روایت صحیح خوانده و با آن موافقت کرده است. [۱۳۸] مریم / ۱۷-۱۹. [۱۳۹] اصول کافی، ج ۲، صص ۴۷۴ و ۴۷۵. [۱۴۰] از سخنان امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۱/۱۲/۶۴. [۱۴۱] تفسیر روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه، ج ۳، ص ۱۵۵. [۱۴۲] سنن ابی داود، ک ۴۰، باب ۱۴۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۶۴ و ۱۹۷. [۱۴۳] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۴۴] رجوع شود به تاریخ کبیر ابن عساکر، ج ۱، ص ۳۹۱ و تاریخ بغداد حافظ ابوبکر شافعی، ج ۱۳، ص ۳۳۱ و منابع المودّه‌ی قندوزی، ص ۲۶۰. [۱۴۵] ابن عربی سنی (متوفای ۵۶۰) در الفتوحات المکیه فاطمه (س) و سایر اهل بیت را مطهر و معصوم به نص می‌داند و از پیغمبر نقل می‌کند که در وجه تسمیه‌ی آن حضرت به فاطمه فرمودند: انّ الله قد فطمها و ذرّیتها من النار يوم القيامة (خداوند زهرا و ذریه‌اش را از آتش روز قیامت باز داشته است) (به نقل از کتاب الامام جعفر الصادق تألیف عبدالحلیم الجندی، چاپ قاهره، ۱۳۹۷ ه، ص ۷۲. [۱۴۶] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۹، ص ۱۵۲. در کتاب علی امام المتقین (ج ۱، ص ۲۲) آمده وقتی آیه‌ی تطهیر نازل شد، پیغمبر اکرم علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند، بُرد خود را به روی آنان افکند

و فرمود: پروردگارا، اینان اهل بیت منند. [۱۴۷] حدیث از بخاری ج ۷۹؛ ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۸ و ۹۹؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۴۰ و ج ۸، ص ۱۷؛ اعلام النساء عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۱۲۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۵ و ۲۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۳۵؛ علی امام المتقین، ج ۱، ص ۳۶. همچنین رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۴ و کتاب سیده‌ی نساء اهل الجنة علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المناوی (متوفای ۹۵۲ هـ - ۱۰۳۶ هـ) چاپ مکتبه ریاض، ص ۶۶. [۱۴۸] آل عمران / ۶۱. [۱۴۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، ج ۱، ص ۱۵۳. [۱۵۰] رجوع شود به ذیل فصّ شیخی در مباحث ولایت اثر عارف ربّانی آقا محمدرضا قمشه‌ای صهبا، چاپ ۱۳۵۹. [۱۵۱] از آیه‌الله محمدحسین غروی (کمپانی). [۱۵۲] روضه الشهداء، صص ۱۳۵ - ۱۳۷. [۱۵۳] علامه سیدمرتضی عسکری: معالم المدرستین، ج ۱، صص ۱۲۴ - ۱۳۰. [۱۵۴] علامه سیدمرتضی عسکری: نقش ائمه در احیای دین، ج ۱۴، ص ۳۱. [۱۵۵] معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۳۰. [۱۵۶] شاید بعضی نتوانند به این سادگی این سخن را بپذیرند که مسلمانان با آن همه علاقه‌ای که به پیامبر اسلام داشتند به کلی آن همه احادیث را کنار بزنند. مگر اینها نبودند که در راه اسلام و پیشرفت این آیین آن همه فداکاری نمودند؟ چطور می‌توان باور کرد که بعد از پیغمبر اکرم (ص) گفته‌های او را اینچنین نادیده بگیرند؟ اتفاقاً این ایراد را بعضی از دانشمندان اهل سنت در کتابهای خود بر ما گرفته‌اند. ولی باید توجه داشت که اگر وضع آن زمان و آن محیط و طرز تفکر مردم آن عصر را در نظر بگیریم زیاد تعجب نخواهیم کرد، زیرا آنچه از مطالعه‌ی تاریخ اسلام به دست می‌آید این است که همه‌ی صحابه و یاران پیغمبر اکرم (ص) از آن دریچه‌ای که ما به پیغمبر اکرم (ص) نگاه می‌کنیم نگاه نمی‌کردند. ما او را فرستاده‌ی خدا می‌دانیم که هر چه می‌گوید وحی آسمانی است و غیرقابل تغییر، ولی در میان صحابه کسانی بودند که در برابر دستورها و سخنان پیغمبر (ص) از خود اظهار عقیده می‌کردند؛ یعنی عملاً خود را «مجتهد» می‌دانستند و عقیده داشتند با تغییر مقتضیات، مانعی ندارد که پاره‌ای از احکام اسلام را تغییر داد (آیه‌الله کاشف الغطاء: این است آیین ما، ص ۱۸۲. [۱۵۷] این است آیین ما، ترجمه و نگارش آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، کانون انتشار، ۱۳۴۶، صص ۱۸۶ - ۱۸۷. [۱۵۸] معجم البلدان، ماده‌ی فدک. [۱۵۹] دُرّ المنثور سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷. [۱۶۰] اسراء / ۲۶. [۱۶۱] نمل / ۱۶. [۱۶۲] مریم / ۵. [۱۶۳] عبدالرحمن الشرقاوی: علی امام المتقین، ج ۱، صص ۶۹ - ۷۰. [۱۶۴] شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۸. [۱۶۵] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۸۸. [۱۶۶] نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵. [۱۶۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۸؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ عوالم بحرانی، ص ۴۱۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۰۸. [۱۶۸] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۹۲. [۱۶۹] این روایت را، هم صدوق (ابن بابویه) به طور مرفوع نقل کرده است و هم احمد بن حنبل، و این مانع از غسل آن حضرت بعد از رحلت نیست که مرحوم اربلی در کشف الغمّه (ج ۱، ص ۵۰۲) از آن تعجب کرده است. [۱۷۰] اقتباس از روضه الشهداء ملاحسین وعظ کاشفی، صص ۱۳۷ - ۱۴۴. [۱۷۱] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۲] علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المناوی: سیده‌ی نساء اهل الجنة، مکتبه القرآن، ص ۹۴. [۱۷۳] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۴. [۱۷۴] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۵] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۹. [۱۷۶] بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴ به نقل از کتاب اخبار الخلفاء. [۱۷۷] دائرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۱۷۱۵. [۱۷۸] دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۱، صص ۱۶ - ۱۷. [۱۷۹] السیاحه فی الیمن، ص ۵۰. [۱۸۰] محمد کاظم محمدی: سیمای پاکستان، صص ۳۵ - ۳۸. [۱۸۱] توماس آرنولد: تاریخ گسترش اسلام، ص ۲۱۲. [۱۸۲] مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۳، صص ۱۸۲ - ۱۸۵. [۱۸۳] رجوع شود به سید محسن امین: دائرة المعارف شیعه و استاد محمدجواد مغنیه: الشیعه فی المیزان، ص ۱۹۶. [۱۸۴] اسامی سادات مهاجران به سمرقند را به تفصیل در کتاب مهاجران آل ابوطالب ص ۲۵۹ - ۲۶۱ مطالعه کنید. [۱۸۵] مضمون نامه‌ی امام علی (ع) چنین بود: «فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردن تو و تو نیز باید مطیع مافوق باشی. درباره‌ی رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی. در مورد بیت‌المال به هیچ کاری جز با احتیاط اقدام مکن. اموال خدا در اختیار توست و تو یکی از خزانه‌داران او هستی که باید آن را به دست من بسپاری و امید است که من رئیس بدی

برای تو نباشم. والسلام» (نهج البلاغه، نامه ی ۵). [۱۸۶] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱، ص ۱۳. [۱۸۷] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱: ص ۱۱. [۱۸۸] اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه ی محمدحسین آریا، ص ۱۵۰ و اسلام در شوروی، ص ۸۶. [۱۸۹] عباس کیهان فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان»، مجله ی مشکوه، شماره ی ۴۱ ص ۸۹. [۱۹۰] عباس کیهان فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان»، مجله ی مشکوه، شماره ی ۹۵ ص ۹۶. [۱۹۱] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴. [۱۹۲] آیه الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله ی مشکوه، شماره ی ۴۳، ص ۱۶. [۱۹۳] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۸۹. [۱۹۴] مجله ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۵] مجله ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۶] ابواسحق ابراهیم اصطخری: مسالك والممالك، ص ۸. [۱۹۷] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۰. [۱۹۸] محمدجواد مغنیه: الشیعة فی المیزان، ص ۱۲۱. [۱۹۹] آیه الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله ی مشکوه، ج ۴۳، ص ۲۷. [۲۰۰] به نقل از کتاب علموا اولادکم محبة آل بیت النبى (ص) دکتر محمد عبده یمانی، چاپ جده، ج ۷، صص ۳۶ و ۳۷. [۲۰۱] التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۴. [۲۰۲] مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۵۲. [۲۰۳] سید محمد کاظم قزوینی: فاطمة الزهراء، صص ۷۷-۷۸. [۲۰۴] ملاحسین کاشفی: تفسیر حسینی، یک جلدی، ص ۱۳۸۹.